گزارش
زهرا چیذری

این سفیدپوشان عضو نظام پزشکی نیستند!

به رغم تصریح قانون نظام پزشکی مبنی بر اینکه پیراپزشکان عضو نظام پزشکی هستند، اما این قانون سال‌هاست اجرایی نمی‌شود

در شرایطی که تکنیسین‌ها در اتاق عمل دست به تیغ می‌شوند و عمل جراحی زیبایی آن هم عملی در سطح ابدوپلاستی انجام می‌دهند شاید به کارگیری فرد غیرمرتبط در بخش نمونه‌گیری یک آزمایشگاه خیلی هم غیرمنتظره و عجیب نباشد! با وجود این علی‌القاعده وقتی تعداد زیاد فارغ‌التحصیل رشته علوم آزمایشگاهی داریم انتظار می‌رود تا افراد متخصص این حوزه در چنین مشاغلی به کار گرفته شوند، اما هستند آزمایشگاه‌هایی که برای کاهش هزینه‌ها افراد غیرمتخصص را به کار می‌گیرند. یکی از دلایل بروز چنین تخلفی هم نداشتن شماره نظام پزشکی فارغ‌التحصیلان رشته علوم آزمایشگاهی است. ماجرایی که به‌رغم تصریح قانون نظام پزشکی مبنی بر اینکه پیراپزشکان عضو نظام پزشکی هستند، اما این قانون سال‌هاست اجرایی نمی‌شود و فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها به دنبال آن هستند تا بتوانند شماره نظام پزشکی بگیرند. حالا فارغ‌التحصیلان علوم آزمایشگاهی و برخی از نمایندگان مجلس در تلاشند تا از طرق مختلف این حق علوم آزمایشگاهی‌ها برای دریافت شماره نظام پزشکی استیفا شود. بگذریم از اینکه این قشر در سطح کارشناسی در نظام سلامت نماینده‌ای ندارد.

۳۰ فروردین ماه روز علوم آزمایشگاهی است. رشته علوم آزمایشگاهی بالینی یکی از شاخه‌های علوم پزشکی و در دسته رشته‌های پیراپزشکی یا پاراکلینیک است. وظیفه اصلی این رشته تشخیص و پایش بیماری‌های مختلف است. در حال حاضر حدود ۵۰ هزار کارشناس علوم آزمایشگاهی در کشور فعالیت می‌کنند که مانند بسیاری از گروه‌ها و اقشار مطالباتی دارند.

■ سفیدپوشانی که عضو نظام پزشکی نیستند

رضا آرش، کارشناس علوم آزمایشگاهی و فعال صنفی در خصوص مطالبات این قشر به «جوان» می‌گوید: «عضویت کارشناسان علوم آزمایشگاهی در سازمان نظام پزشکی، یکی از مهم‌ترین مطالبات کارشناسان این رشته است. کارشناسان علوم آزمایشگاهی از سال‌ها قبل جهت تحقق این مطالبه اقدام کرده و موفق به اخذ چندین رأی قطعی از دادگاه‌های تجدیدنظر در شهرهای مختلف شده‌اند. این مطالبه که دارای پشتوانه قانونی، حقوقی، قضایی و همینطور دارای تأییدیه از آزمایشگاه مرجع وزارت بهداشت و مصوبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ کمیسیون بهداشت مجلس هم هست، متأسفانه تا کنون، اجرایی نشده‌است. با وجود این، پیگیری‌های مستمر و مجدانه و نیز مکاتبات و جلسات متعدد خانم دکتر محمدبیگی، نایب رئیس کمیسیون بهداشت مجلس در این خصوص، امیدها را جهت به ثمر نشستن این مهم زنده نگه داشته‌است.»

حضور رشته‌های متفرقه، فاقد صلاحیت و غیرمجاز در آزمایشگاه‌های طبی هم موضوع دیگری است که این فعال صنفی کارشناسان علوم آزمایشگاهی به آن اشاره دارد. به گفته وی دست‌اندازی رشته‌های غیرمرتبط به حرفه و شغل کارشناسان علوم آزمایشگاهی، ورود غیرقانونی برخی از رشته‌های علوم پایه به آزمایشگاه‌های طبی و انجام کارهای فنی و تخصصی، یکی از تخلفاتی است که اعتراض جدی و همیشگی کارشناسان علوم آزمایشگاهی را به دنبال داشته‌است.

آرش در این خصوص به نص قانون اشاره می‌کند و می‌گوید: «پیرو آیین‌نامه طرح طبقه‌بندی مشاغل وزارت بهداشت، تنها رشته‌ای که شرایط احراز پست کارشناس آزمایشگاه پزشکی را داراست، رشته کارشناسی علوم آزمایشگاهی است. عطف به ابلاغیه‌های متعدد آزمایشگاه مرجع وزارت بهداشت حضور رشته‌های غیرمرتبط و متفرقه به عنوان کارشناس آزمایشگاه طبی تخلف محسوب می‌شود.»

طبق توضیحات وی بر اساس نامه اخیر معاون دادستانی تهران، هر گونه دخالت در امور پزشکی جرم محسوب می‌شود، همچنین بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۳۴/۰۳/۲۹ قانون مربوط به مقررات پزشکی و دارویی، آزمایشگاه در زمره مؤسسات پزشکی محسوب شده و افرادی که در آزمایشگاه‌های طبی فعالیت می‌کنند می‌بایستی واجد صلاحیت فنی و پروانه رسمی باشند. آرش تأکید می‌کند: «با وجود تمامی این قوانین، مقررات و مصوبات متأسفانه شاهد حضور رشته‌های غیرمرتبط در آزمایشگاه‌های طبی هستیم که رسیدگی به این تخلف نیازمند وضع قوانین بازدارنده و ورود جدی معاونت درمان وزارت بهداشت است.»

■ تقاضا برای تعرفه‌گذاری خدمات

وقتی پزشکان و بعدترها پرستاران بابت خدماتشان تعرفه‌گذاری دارند، مطالبه برای تعرفه‌گذاری به سایر اقشاری که در حوزه سلامت خدمات ارائه می‌دهند هم تسری پیدا می‌کند. حالا کارشناسان علوم آزمایشگاهی هم به دنبال تعرفه‌گذاری خدمات آزمایشگاهی هستند.

آنطور که آقای آرش می‌گوید در میان رشته‌های مشمول قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت، تنها گروه فاقد تعرفه کارشناسان علوم آزمایشگاهی هستند. از نگاه وی با عنایت به قوانین موجود در این خصوص و نیز با توجه به اینکه کلیه مراحل انجام آزمایش (شامل کنترل کیفیت، کالیبراسیون دستگاه‌ها، شناسایی و رفع خطاها، اطمینان از نتایج و جمع‌آوری مستندات و ارائه گزارشات به بازرسان) توسط کارشناسان علوم آزمایشگاهی انجام می‌پذیرد، اما متأسفانه سهم آنها از تعرفه خدمات آزمایشگاهی صفر است. این در حالی است که برای گروه پرستاری تعرفه‌گذاری انجام شده‌است.

عدم رتبه‌بندی و طبقه‌بندی مشاغل برای کارشناسان شاغل در بخش خصوصی یکی دیگر از چالش‌هایی است که کارشناسان علوم آزمایشگاهی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. بدین معنا که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند مشمول قانون کار هستند و در عمل حداقل را دریافت می‌کنند و فاقد هرگونه مزایای قانونی هستند که این به نوبه خود سبب بی‌رغبتی کارشناسان این رشته جهت کار در بخش خصوصی می‌شود.

از نگاه وی کارشناسان علوم آزمایشگاهی بر این باورند که هیچ‌گونه تناسب و سنخیتی میان کاری که انجام می‌دهند و حقوقی که دریافت می‌کنند، وجود ندارد. رسیدگی به این مطالبه مهم نیازمند تعامل جدی میان وزارت کار، وزارت بهداشت و سازمان تأمین اجتماعی و تحقق آن مشروط به پیگیری‌های مستمر و مجدانه وزارت بهداشت به عنوان متولی اصلی این رشته هستند.

عدم تعلق حق سختی کار به کارشناسان علوم آزمایشگاهی هم از دیگر موضوعاتی است که کارشناسان این رشته نسبت به آن معترضند. بر این اساس، با وجود آنکه آنها به صورت روزانه در مواجهه با مواد اسیدی، قلیایی، عفونی و سرطان‌زا می‌باشند، برخلاف گروه رادیولوژی که دارای حق اشعه هستند، اما هیچ‌گونه امتیاز یا مزیتی برای کارشناسان علوم آزمایشگاهی به سبب کار با مواد زیان‌آور لحاظ نشده‌است.

■ این قشر نماینده ندارند!

آنطور که آرش می‌گوید در میان سایر گروه‌های آزمایشگاهی بالینی همچون دکترای علوم آزمایشگاهی، متخصصان علوم آزمایشگاهی، فلوشیپ علوم آزمایشگاهی، کارشناسان علوم آزمایشگاهی و پاتولوژیست‌ها، پرجمعیت‌ترین گروه آزمایشگاهی کارشناسان علوم آزمایشگاهی هستند، اما متأسفانه جایگاهی برای آنها در وزارت بهداشت یا سازمان نظام پزشکی تعریف‌نشده تا جهت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلانی که در سطح کشور در حوزه آزمایشگاه اتخاذ می‌گردد، امکان مشارکت داشته باشند.

این در حالی است که اسکلت اصلی آزمایشگاه‌های طبی را کارشناسان این رشته تشکیل می‌دهند و می‌توانند نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های کلی نظام آزمایشگاهی کشور داشته‌باشند.

علاوه بر اینها با وجود اینکه جمعیت کارشناسان پیراپزشکی کشور (علوم آزمایشگاهی و رادیولوژی) تعداد قابل توجهی است، اما هیچ معاونت اختصاصی جهت رسیدگی به مسائل مرتبط با آنها در وزارت بهداشت وجود ندارد. این در حالی است که معاونت پرستاری از سال‌ها قبل در ساختار وزارت بهداشت تعریف شده‌است و بدیهی است که معاونت پرستاری صرفاً مختص مسائل مربوط به گروه پرستاری است و کارشناسان پیراپزشکی از این امتیاز در وزارت بهداشت محروم شده‌اند.

بدیهی است نگاه تخصصی داشتن در تمامی حوزه‌ها می‌تواند به خروجی‌های بهتری منتهی شود. به خصوص در حوزه‌هایی که با جان و سلامت انسان‌ها سر و کار دارند و این مسئله ضرورت نظارت و نگاه به دور از منفعت طلبی را بیشتر به تصویر می‌کشد.

واتس‌اپ و اینستاگرام بانک اطلاعات صهیونیست‌ها را تکمیل می‌کند

«جوان» درباره فعالیت‌های اخیر متا با پژوهشگر مطالعات سایبری گفت‌وگو کرده‌است

اخیراً اخبار متعددی در خصوص همکاری شرکت متا با صهیونیست‌ها منتشر شده که نشان می‌دهد این شرکت که مالک واتس‌اپ، اینستاگرام و فیس‌بوک است، ارتباط تنگاتنگی با رژیم صهیونیستی برای شناسایی و ترور فلسطینی‌ها دارد. البته ارتباط صهیونیست‌ها با ابرشرکت‌های فناوری فقط مختص متا نیست و اخبار متعددی در خصوص ارتباط دیگر شرکت‌ها با این رژیم از مدت‌ها پیش منتشر شده‌بود. در گفت‌وگوی «جوان» با علیرضا عابد مسرورخواه، پژوهشگر مطالعات سایبری که بخش اول آن در ادامه می‌آید، واقعیت این همکاری‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌است.

آیا واقعاً متا در حال همکاری برای جنایت علیه فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی است، اصلاً چگونه این همکاری را انجام می‌دهد؟

نه‌تنها همکاری متا با رژیم صهیونیستی صحت دارد، بلکه سایر ابرشرکت‌های فناوری از جمله مایکروسافت و گوگل هم در حال همکاری گسترده با رژیم صهیونیستی از آغاز حملات این رژیم بعد از عملیات هفتم اکتبر هستند و این شرکت‌ها در چند حوزه در حال همکاری با رژیم هستند. برخی از اینها مانند مایکروسافت زیرساخت پردازشی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهند تا سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی رژیم بتوانند از این زیرساخت پردازشی در راستای شناسایی بهتر و دقیق‌تر مجاهدان فلسطینی بهره ببرند. برخی از اینها با در اختیار قراردادن الگوریتم‌ها و سامانه‌ها در حال همکاری با رژیم هستند و برخی دیگر از جمله شرکت متا و احتمالاً سایر شرکت‌هایی که محصول و خدمتشان در حوزه شرکت‌ها اجتماعی و پیام‌رسان هست با در اختیار قرار دادن داده‌ها در حال همکاری با رژیم هستند.

اتفاقی که دارد می‌افتد، این است که مجموع کلان داده‌هایی که این شرکت‌ها در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهند، در راستای تکمیل بانک‌های اطلاعاتی آنها در ارتش رژیم صهیونیستی مفید واقع می‌شود. کاری که رژیم در حوزه فناروی در حال انجام آن است، این است که شناسایی اهداف خودش را از بعد فرد و مکان با توجه به شدت و گستردگی حملات به گونه‌ای به هوش مصنوعی واسپاری کرده که این در رسانه‌های غربی هم انتقادات جدی را به دنبال داشته‌است، چون این غیرانسانی‌ترین اتفاقی است که تا به حال افتاده که تصمیم برای کشتن یک فرد را ماشین اخذ می‌کند و اولویت دهی در بانک اهداف در مورد اینکه حمله از کجا شروع شود و اولویت بالاتر با کدام است همه توسط هوش مصنوعی در رژیم در حال انجام است؛ یعنی فرد شناسایی می‌شود، مکان او مشخص می‌شود و بعد براساس لیست اهدافی که مشخص شده، اولویت‌بندی می‌شود و همه این مراحل توسط هوش مصنوعی انجام می‌شود و در نهایت برحسب اولویت فهرست‌ها به نیروهای عمل‌کننده اعم از نیروی هوایی، نیروی زمینی و تیم‌های ترور برای اقدام سپرده می‌شود. این مجموع اقدامی است که رژیم در این حوزه دارد انجام می‌دهد.

به چه صورت این جمع‌آوری اطلاعات برای جنایت در حال انجام است؟

فعالیت‌های که افراد در شبکه‌های اجتماعی و به شکل کلی در اینترنت انجام می‌دهند، تولید یکسری داده و فراداده می‌کند که اصطلاحاً به آن ردپای دیجیتال می‌گویند که همه ما به عنوان کاربران بخش‌های مختلف اینترنت از خودمان آن را برجا می‌گذاریم. حالا از تقاطع‌گیری این ردپای دیجیتال داده‌های بسیار جالبی به‌دست می‌آید، حتی می‌توان گفت برخی از افراد بدون اینکه هیچ فعالیتی در فضای دیجیتال داشته باشند، به وسیله فعالیت اطرافیان‌شان می‌شود با تقاطع‌گیری داده‌ها به اطلاعاتی راجع به آنها دست پیدا کرد.

حالا چون تقریباً بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی جهان و پیام‌رسان‌ها همزمان دست متاست یعنی فیس‌بوک، واتس‌اپ و اینستاگرام را در اختیار دارد که با یکدیگر بزرگ‌ترین سکوی اجتماعی جهان را تشکیل داده‌اند با توجه به حجم بالای اطلاعاتی که از کاربران در آنجا شکل می‌گیرد، به آنها کمک می‌کند تا بتواند ردپای دیجیتال دقیق‌تری را از افراد به دست بیاورد. متا با قراردادن این داده‌ها و فراداده‌ها در اختیار رژیم صهیونیستی به رژیم این توانمندی را می‌دهد برای افرادی که در بانک اهدافش هستند یک پروفایلینگی ایجاد و داده‌ها را طبقه‌بندی کند. حالا در طول زمان این داده‌ها را کامل می‌کند که مشخصاً این فرآیند از قبل از هفت اکتبر هم شروع شده‌بود، یعنی از زمانی که این شبکه‌های اجتماعی فراگیر شدند، این اتفاق افتاد و فقط توسط رژیم صهیونیستی نیز نیست، بلکه در سرویس‌های امنیتی دیگر دنیا از جمله کشورهای غربی که دسترسی خوبی هم به شبکه‌های اجتماعی داشته و دارند، این اتفاق می‌افتد و بانک داده‌ای افراد تکمیل می‌شده و در مواقعی که مورد نظر بوده از جمله جنگ این بانک داده‌ای استفاده می‌شده‌است.

در مواقع عادی شاید استفاده‌ای که از این بانک‌های داده‌ای می‌شود خیلی محسوس نباشد، چون شبکه‌های اجتماعی یک ژست حفظ حریم خصوصی و داده‌های کاربران دارند که نباید به این راحتی تخریب شود و اعتماد عمومی مردم جهان به آنها کاسته شود، ولی در مواقع بحران که مثلاً الان رژیم درگیر آن است، علناً از این استفاده می‌کنند و ابایی هم ندارند که اخبار آن درز کند، ضمن اینکه متا سابقه خوبی هم در این زمینه ندارد؛ یعنی اگر شما در شبکه اجتماعی لینکدین مدیران متا را چک کنید، متوجه می‌شوید که خیلی از مدیران این شبکه اجتماعی به عنوان هلدینگ مادری که اینستاگرام، واتس‌اپ و فیس‌بوک زیر مجموعه آن محسوب می‌شوند، علناً و رسماً در سوابق شغلی خود اشاره کرده‌اند که افسران رده بالای سرویس‌های اطلاعاتی ایالات‌متحده از جمله CIA، NSA و اطلاعات نظامی ارتش امریکا بوده‌اند و الان دارند در متا فعالیت می‌کنند و این همکاری دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا با متا و شرکت‌های زیرمجموعه آن حتی چیزی نیست که پنهانش کنند و فقط کافی است، شما یک سرچ کوچک در لینکدین انجام بدهید و صدها مدیر ارشد متا را پیدا کنید که سابقه رسمی حضور در سرویس‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا و رژیم صهیونیستی را داشته و دارند.

راه‌های جلوگیری از افتادن در دام چنین ابزارهایی چیست؟

واقعاً می‌شود گفت راه‌حل صددرصدی وجود ندارد که بگوییم با این روش حتماً اطلاعات شما حفظ خواهد شد، ولی یک راه‌حل اگر بخواهیم بگوییم که حتماً داده‌های شما حفظ می‌شود، این است که کلاً جامعه شما از آن سکو یا پلتفرم استفاده نکند که این هم در عمل خیلی عملی و مقدور نیست، ولی اگر خود شما به تنهایی هم از یک سکوی دیجیتال استفاده نکنید باز به این معنا نیست که هیچ داده‌ای از شما آن سکو نتواند جمع کند، چون همانطور که عرض کردم فعالیت نزدیکان، اطرافیان و دوستان شما در یک سکو می‌تواند اطلاعاتی را از شخص شما در آن سکو بازنشر کند و سکو با تقاطع‌گیری داده‌هایی هر چند مختصر از فردی که حتی عضو آن سکو هم نیست و فعالیتی در آنجا ندارد هم جمع‌آوری کند، اما خب این موضوع به حداقل خود می‌رسد.

> **برخی از افراد بدون اینکه هیچ فعالیتی در فضای دیجیتال داشته باشند، به‌وسیله فعالیت اطرافیان‌شان می‌شود با تقاطع‌گیری داده‌ها به اطلاعاتی راجع به آنها دست پیدا کرد**

نکته‌ای که می‌شود به آن تأکید کرد اینکه باید آگاه باشیم فضای اینترنت و فضای شبکه‌های اجتماعی چه کارکردی برای طرف مقابل ما دارد؛ یعنی اینگونه نباشد که تصور کنیم داده من شهروند ساده بی‌ارزش است و به کار کسی نمی‌آید، بلکه واقعیت این است که تمام داده‌ها با ارزش است و بیت به بیت داده‌هایی که ما در فضای اینترنت از خودمان به جا می‌گذاریم، باارزش هستند مخصوصاً زمانی که بشود این داده‌ها را به شکل کلان جمع‌آوری کرد و این قابلیتی است که شبکه‌های اجتماعی و ابرشرکت‌های حوزه فناوری دارند. در روزهای اخیر به جز مسئله متا اخبار مربوط به ۵۰ سالگی مایکروسافت را هم داشتیم که در آنجا یکی از توسعه‌دهنده‌های این شرکت برخاست و با اعتراض به مدیران شرکت گفت در این ۵۰ هزار نفر کودک، زن و مردی که در غزه به شهادت رسیدند، دستان مایکروسافت هم آلوده است و در این موضوع شریک است. البته برای کسانی که با مسائل فنی، داده و شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارند، این مسئله خیلی ملموس است که این داده برای این افراد چقدر باارزش است و با تجمیع اینها می‌تواند اطلاعات بسیار دقیقی از موقعیت جغرافیایی یک فرد تا خصوصیات اخلاقی افراد یک جامعه و بسیاری از مسائل دیگر را ارائه کند که این به دستگاه‌های امنیتی و نظامی دشمن برای هدف‌گیری، موقعیت‌یابی و در نهایت به شهادت رساندن اهداف خودشان کمک می‌کند.

آیا این مسائل امنیت سایبری به کشور ما نیز مربوط می‌شود؟

بله، کشور ما نیز به گونه‌ای درگیر این مسئله است، ولی چالشی تحت عنوان فیلترینگ در کشور ما وجود دارد و نارضایتی‌هایی را هم در جامعه ایجاد می‌کند. از طرف دیگر دغدغه‌های بالادستی هم در خصوص آن وجود دارد که شاید به درستی منتقل نمی‌شود و زبان مشترکی بین جامعه و مسئولان به وجود نیامده تا بتوانند اهمیت این موضوع را به مخاطب که عموم شهروندان باشند، تفهیم کنند. مشخص است که ما الان در شرایط پایدار و غیربحرانی متوجه سوءاستفاده دشمن از داده‌های خود و کاربرانمان در فضای اینترنت نشویم هر چند برای آگاهان و مطلعان همین الان هم ملموس است که چه اتفاقی دارد می‌افتد و این حضور گسترده ما در شبکه‌های اجتماعی آن هم بدون اینکه آن شبکه‌ها تن به حکمرانی کشور ما داده‌باشند، چه پیامدهایی دارد، اما شاید برای عموم مردم این تهدید ملموس نباشد، با این حال باید بدانیم که اگر خدای ناکرده ما درگیر بحرانی شویم اعم از بحران‌های امنیتی، نظامی و اجتماعی باشد آن موقع این مسئله سوءاستفاده دشمن از این داده‌های کاربران ایرانی خیلی محسوس‌تر می‌شود و آن موقع مردم خواهند دید چگونه از داده‌های آنها علیه خودشان استفاده شده و چطور آسیب‌هایی را خواهند دید آن هم فقط به دلیل اینکه ما نتوانستیم حکمرانی خودمان را در این فضا تثبیت کنیم و بدون ضابطه و قاعده در شبکه‌هایی که اساساً مشخص و واضح بود که متعلق به دشمنان ما هستند، فعالیت کردیم.

بنابراین به نظرم اولین و مهم‌ترین گام این است که ما این آگاهی را بتوانیم ایجاد کنیم که چه تأثیری می‌توانند بر تک‌تک ما بگذارند. یک موقع ممکن است بگوییم که بر جامعه می‌توانند این اثر را بگذارند و فرد نوعی که مخاطب است، خودش را مستثنی از این تأثیر بداند، اما اگر بتوانیم محسوس و ملموس کنیم، این آسیب ممکن است به هر کدام از ما در روز بحران و مبادا وارد شود، شاید موجب شود مخاطب ما با ملاحظه بیشتر به شبکه‌های اجتماعی رجوع کند. من نمی‌گویم مخاطبان شبکه‌های اجتماعی را ترک کنند، ولی اینکه آگاهانه از آن استفاده کنند، حجم داده‌ای را که در اختیار آن قرار می‌دهند، مدیریت کنند و جایی که لزومی ندارد و مابه‌ازایی وجود دارد که می‌شود با یک کیفیت نسبی از خدمت داخلی بهره برد، از آن خدمات داخلی استفاده کنند.

آگاهی شهروندان و آحاد جامعه یک نکته مهم است که این می‌تواند فارغ از کلیت کشور و جامعه آسیب‌هایی را که برای خود افراد ممکن است وجود داشته باشد، نیز مورد توجه افراد قرار دهد، ولی لازم است محسوس باشد که چه رفتاری برای فرد فرد جامعه نیز می‌تواند آسیب داشته‌باشد؛ مانند اتفاقی که در غزه در حال افتادن است، به غیر از اینکه کلیت جامعه که تحت‌تأثیر قرار گرفته اکنون تک‌تک افراد مهم و کلیدی در کنار دیگر افراد عادی مورد هدف قرار می‌گیرند، به شهادت می‌رسند.

طریق علی (ع)
مهدی مولایی

ایستاده پای آرمان‌ها!

گویی علی از مواضع دیرینه خود و سخنانی که بر فراز منبر کوفه با آن، ما را به قتال با فتنه‌انگیزان امت فرامی‌خواند، کوتاه آمده و نرم شده؛ یا شاید دیدن سیاهه لشکر پر سازوبرگ و عظیم بصره او را ترسانده! این جملات را عده‌ای از ساده‌لوحان در اردوگاه لشکر امیرالمؤمنین گفتند؛ وقتی که حضرت با فرستادن پیک‌هایی و نامه‌هایی به سوی سپاهیان جمل، طلحه و زبیر را به پرهیز از نبرد دعوت و سوابق مجاهدات آنها را برایشان یادآوری کردند.

امیرالمؤمنین حتی به گفت‌وگوی حضوری و متقابل با زبیر در خیمه فرماندهی خود پرداختند و رابطه خویشاوندی را یادآور شدند و سخنانی از پیامبر را به یاد او آوردند که زبیر را از نبرد با علی منع کرده‌بودند. بیرون خیمه اما ساده‌لوحان و خاله‌زنک‌های سپاه، سخن از کوتاه آمدن علی و نرمش از مواضع دیرینه می‌زدند. چندی بعد، وقتی که بالجاجت اهل جمل، تلاش حضرت برای پرهیز از نبرد و ریخته‌شدن خون‌ها در صحرای خریبه راه به جایی نبرد و حضرت پیروز پیکار شدند، باز ساده‌لوحان و خاله‌زنک‌ها سخن از کوتاه آمدن علی از مواضع خود زدند؛ وقتی که عایشه همسر پیامبر و از سردمداران لشکر جمل، پس از شکستی سخت به دست سپاهیان اسلام افتاد و حضرت، با رأفت و حکمت بی‌مانند خود دستور دادند که هرگز اهانتی به وی نشود و او در کمال اکرام و احترام به سوی مدینه بدرقه شود. در هر دو موقعیت تاریخی مذکور، چه تلاش برای پرهیز از نبرد برای حفظ اتحاد و جلوگیری از خونریزی و چه در انتهای نبرد و اکرام یکی از سران مخالفان، هدف امیرالمؤمنین حفظ مصالح امت اسلامی و استقامت دین خدا بود. کم‌دانشان و بدبینان امت اما توان درک موقعیت‌های حساس تاریخی و لزوم انعطاف در عین تأکید بر اصول بنیادین را نداشتند و علی را متهم به کوتاه آمدن و عقب‌نشینی از مواضع خود کردند. در جهان‌بینی امیرمؤمنان، مصالح دین خدا و امت اسلام مقدم بر هر امری بود. پس گاه حفظ مصالح مستلزم نبردی سخت با دشمنان و مستکبران است و گاه نیازمند درایت و رأفت و پرهیز عاقلانه و محتاطانه از تنش! در روزهای اخیر و با فراگیر شدن بحث مذاکرات میان ایران و امریکا و خصوصاً بعد از حضور شاهزاده و وزیر دفاع عربستان سعودی در ایران و ملاقات وی با رهبر انقلاب، بعضی ساده‌لوحان داخلی سخن از کوتاه آمدن و عقب‌نشینی ایران از مواضع و آرمان‌های دیرینه خود زده و مدعی شده‌اند که ظاهراً ایران تمایل دارد امسال را سال صلح جهانی کند! گویی که تمام جهان صلح‌طلبانی آرام و مهربان و شرافتمند بوده‌اند و ایران لجوجانه از صلح جهانی پرهیز داشته! اینان مانند ساده‌لوحان و خاله‌زنک‌هایی که تاریخ کم به خود ندیده، توان تحلیل صحیح از وقایع پیرامونی خود را ندارند؛ به اخمی توهم «سایه جنگ» می‌کنند و به ملاقات و مذاکره‌ای توهم عقب‌نشینی از آرمان‌ها.

جمهوری اسلامی مانند همه چهار دهه پایبندی خود بر اصول و آرمان‌های اساسی انقلاب اسلامی، با درک عمیق از شیوه صحیح حکمرانی و سیاست‌ورزی بین‌المللی، در عین تأکید بر آرمان استکبارستیزی و مقابله با اشرار و زورگویان جهانی و روابط حسنه با کشورهای اسلامی، ابایی از تعامل هوشمندانه، محتاطانه و عاقلانه با کشورهای جهان ندارد. حفظ مصالح کشور و تأکید بر منافع عمومی ملت ایران، رسالت اساسی حاکمیت جمهوری اسلامی بر کشور است. این سیاست، سیاست یک روزه و دو روزه ایران نیست و نگاهی به سوابق چهاردهه سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که این نه نخستین تعامل و مذاکره ایران با امریکاست و نه نخستین بروز از روابط ایران با کشورهای اسلامی. ساده‌لوحان با غوره‌ای سردی و با مویزی گرمی می‌کنند و هوشمندان پیرو حکمت «نه خیلی خوشبینیم و نه خیلی بدبین» می‌مانند!

یادداشت
محمد صادق عبداللهی

چرا هر لحظه اخبار جدیدی از کنکور می‌شنویم؟!

ادامه از صفحه اول

اما در شوراهای عالی این روند وجود ندارد و همین هم هست که هر هفته می‌شود تصمیم جدیدی گرفت. پیش از تصویب مصوبه نیز عموم جامعه از متن مصوبه باخبر نمی‌شوند و تنها پس از تصویب یا حتی اعمال آن از مصوبه اطلاع می‌یابند.

۲- تعدد شوراها و نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در مسئله‌ای واحد: مسئله دیگر تعدد شوراهای تصمیم‌گیر، به‌ویژه در حوزه آموزش است. در مسئله کنکور شاهد بودیم که حداقل چهار رکن (کمیسیون آموزش مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش‌وپرورش و شورای عالی سنجش و پذیرش) مداخله مستقیم و قانونی داشتند. نکته قابل توجه آن است که شوراهای دیگری همچون شورای عالی جوانان و نوجوانان(!) نیز هرچند که در اینجا سکوت کردند اما در سطوحی امکان مداخله در امر را دارند!

۳- بی‌ثباتی در نظام مدیریتی: عمرهای کوتاه مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی، فقدان انباشت تجربیات و ویژگی‌های فرهنگ سازمانی موجب شده است با تغییر هر مسئول، نظر آن سازمان نیز تغییر کند. شاهد مثال آن است که وزارت علوم و سازمان سنجش در دوران مسئولان قبلی‌شان نظری دیگر داشتند و با تغییر مسئولان آنها، نظر آن دستگاه‌ها نیز ۱۸۰ درجه تغییر و از موافق به مخالف تغییر کرد! گویا نظرات نه بر مبنای کارهای کارشناسی صورت گرفته توسط کارشناسان دستگاه، بلکه نظرات شخصی بوده است که به سرعت نیز تغییر کرد.

۴- سایه نظام انتخابات فردمحور بر سیاست‌گذاری: یکی دیگر از مواردی که بر سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد، نظام انتخاباتی کشور است. در نبود نظامی حزبی با نظریات، برنامه‌ها و رویکردهای شفاف، در دوران تبلیغات که عمده تمرکز ستادها بر جذب آرا است، مسئولانی که خارج از مراجع تصمیم‌گیر هستند، وعده‌هایی کاملاً برآمده از نظریات شخصی برای نفی یا تغییر تصمیمات قبلی ارائه می‌کنند و فردای انتخابات که خود در آن مرجع قرار گرفتند و از جزئیات کار و ضرورت اخذ تصمیمی مشابه مطلع شدند، در عمل به وعده‌های خود دچار چالش می‌شوند. در صورتی که اگر نظام حزبی وجود داشت و هر یک از کاندیداها ملزم به پایبندی به نظرات و رویکردهای شفاف و اعلام شده حزب خود بودند، آنگاه شاهد این حجم از نظرات شخصی و غیرمرتبط با واقعیات کشور نبودیم.

۵- فقدان مرجعی برای اخذ نظر ذی‌نفعان: دیگر مسئله مهم موجود در سیاست‌گذاری آن است که در حال حاضر ساختار معینی برای اخذ جامع نظرات ذی‌نفعان در مسئله‌ای و لحاظ آن در تصمیمات وجود ندارد. در طول دوره بررسی مجدد مصوبه کنکور شاهد بودیم که هر مسئولی بسته به بازدیدهای میدانی و افرادی که با او در ارتباط بودند، قائل بود که جامعه نظری در مخالفت یا موافقت با تغییر مدل کنکور دارد. نظرسنجی‌های عمومی نیز عمدتاً از سوی گروه‌هایی که توانایی بیشتری برای کمپین‌سازی داشتند تحت تأثیر قرار می‌گرفت، فلذا تا همین امروز نیز مشخص نشد که نظر گروه‌های مختلف اعم از دانش‌آموزان، اولیا، معلمان و اندیشمندان دانشگاهی در خصوص مدل جدید کنکور چیست.

۶- تلاش ناممکن برای جلب رضایت همه ذی‌نفعان: نکته دیگر آنکه سیاست‌گذار بایستی بداند که هیچ‌گاه نمی‌شود در یک سیاست نظر همه ذی‌نفعان را با هم جمع کرد. قطعاً هر مصوبه‌ای موافقان و مخالفانی دارد. سیاست‌گذار باید بتواند با در نظر گرفتن مصالح عمومی و نظریات کارشناسی، وزنه موافقان را سنگین‌تر نماید. لذا اگر در پی آن باشیم که با هر انتقاد و مخالفتی دست به اصلاح مصوبه‌ای بزنیم، هیچ‌گاه به تصمیمی پایدار دست نمی‌یابیم.